

مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ)

حسین میرزائی (استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

hmirzaei@um.ac.ir

محمد عباس زاده (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز)

m_abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

چکیده

امروزه هویت ملی و هویت قومی و نوع ارتباط و تعامل آن دو از مهمترین مسایل مورد توجه در کشورهای با تنوع قومی- فرهنگی است. در بررسی موضوع عوامل گوناگونی مورد توجه اند. گروهی معتقدند فرایند جهانی شدن باعث برجسته شدن وفاداری های قومی، هویت های فرو ملی و در نتیجه تضعیف هویت و انسجام ملی گردیده است. در مقابل برخی بر این باورند که افراد دارای هویت های ترکیبی هستند بدون آنکه تعارضی بین عناصر هویتی آنان باشد. این پژوهش با هدف «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی دانشجویان آذری، بلوچ و عرب دانشگاه های دولتی کشور در سال ۱۳۸۷ و ارتباط «احساس محرومیت نسبی»، «جامعه پذیری قومی» و «تسلط به زبان مادری» با هویت های دوگانه (ملی و قومی)» انجام شده و نمونه پژوهش ۶۳۹ نفر بوده است. نتایج نشان داد بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت، هم افزا و متوسطی وجود دارد، بین متغیر احساس محرومیت و هویت ملی رابطه منفی نسبتا بالا و با متغیر هویت قومی رابطه مثبت و در حد ضعیفی بوده است. در خصوص دو متغیر جامعه پذیری قومی و تسلط به زبان مادری نیز رابطه با هویت ملی معنی دار نشده اما با هویت قومی رابطه معنادار و مثبت بوده است. تحلیل های رگرسیون چند متغیره نشان داد متغیر احساس محرومیت مهم ترین و تعیین کننده ترین عامل تاثیرگذار مستقیم و منفی بر هویت ملی است و متغیر جامعه پذیری قومی تعیین کننده ترین عامل تاثیرگذار مستقیم و مثبت بر هویت قومی است.

کلید واژه ها: هویت ملی، هویت قومی، احساس محرومیت نسبی، جامعه پذیری قومی، زبان مادری

(۱) بیان مساله

موضوع تنوع قومی امروزه از موضوعی پیرامونی به موضوعی اصلی و مهم در آثار اندیشمندان علوم اجتماعی تبدیل شده و به عنوان یکی از برجسته ترین مسایل جهانی مطرح شده است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۸) برخی عصر حاضر را قرن اقلیت ها و قومیت ها می دانند (خوب روی، ۱۳۸۰: ۱) و این مساله را از مهم ترین دغدغه های انسان عصر نو می دانند (دوران، ۱۳۸۳: ۸۵).

امروزه شاهد ظهور توامان دو پدیده به ظاهر متضاد هستیم که به تعبیر رابرتسون همان عام شدن امر خاص و خاص شدن امر عام است. همزمان با تعمیق فرایند جهانی شدن از یک سو شاهد گسترش و یکپارچگی فرهنگی، بازارهای اقتصادی و شیوه های حقوقی و سیاسی هستیم و از دیگر سو ناظر ظهور انواع اختلاف های قومی و تاکید بر بنیادی ترین هویت های گروهی و قومی در بسیاری از مناطق جهانیم (سید امامی، ۱۳۷۷: ۷). تشدید این موضوع خصوصا در جوامعی چون ایران که از لحاظ قومی متنوع ترند بیشتر خود نمایی می کند. کشور ایران جامعه ای چند قومی - فرهنگی و کثیرالقوم است، به طوری که ایران شناسان تعداد ۲۹ قومیت ایرانی را شناسایی کرده اند و نیمی از استان های کشور به طور مستقیم درگیر این تنوع فرهنگی و قومی هستند (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). با اینحال بافت قومی - فرهنگی ایران در واقع الگوی منحصر به فرد، متنوع و پیچیده ای است که به جرات می توان ادعا نمود این وضعیت خصیصه بنیادی جامعه ایران است و ایران از جمله موارد نادری است که گروه های فعال قومی آن در مناطق مرزی واقع اند و در عین حال همگی همجوار با کشورهای هم زبان و قومیت های هم تبار خود هستند (رمضان زاده، ۱۳۷۷: ۲۲۰). به دلیل شرایط حاکم و موضوع مهم جهانی شدن و شرایط ویژه و منحصر بفرد ایران، بسیاری از صاحب نظران مساله حال و آینده کشور را موضوع قومیت ها می دانند. بسیاری از دشمنان کشور مساله «قومیت ها» را «پاشنه آشیل» کشور ایران می دانند و در این راه نیز عمل می کنند. آمارها نیز حکایت از رشد قابل توجه احساسات قومی در بین اقوام ایرانی دارد (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۲). یکی از دلایل این حساسیت و نگرانی بیشتر به این خاطر است که نه تنها برخی اندیشمندان این حوزه، بلکه اکثر مسئولین مرتبط با این حوزه در کشور، بر این باورند که اساسا تمایل به مولفه های فرهنگ قومی (هویت قومی) مغایر با گرایش به هویت ملی است و در واقع هویت ملی و قومی در عرض یکدیگر قرار دارند. دوم آنکه؛

پرداختن به این موضوع، بویژه مطالعه آن در بین جوانان از آن روی حایز اهمیت است که بسیاری از صاحب‌نظران، شکل‌گیری هویت را مرحله بحرانی دوره جوانی می‌دانند، زیرا در این دوران جوانان بلوغ شناختی و اجتماعی شان را به نمایش می‌گذارند و در این مرحله قدرت و ظرفیت بررسی و ارزیابی انتزاعی مفاهیمی همچون ملیت، نژاد و قومیت را دارند (Umana, 2008: 18) و در واقع برجسته شدن هویت قومی یکی از ویژگی‌های دوره جوانی است (French, 2006: 7). پرداختن به این موضوع بویژه در بین قشر دانشجوی ایران به عنوان یکی از گروه‌های مرجع تاثیر گزار از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا با شناخت نگرش، باور و رفتار این قشر می‌توان به رصد تغییرات آتی جامعه در حوزه هویتی پرداخت.

با توجه به مطالب فوق سوالات اساسی اینست که اساساً رابطه هویت ملی و قومی در سه گروه قومی - دانشجویی مورد مطالعه چگونه است؟ و اینکه رابطه "احساس محرومیت نسبی"، "جامعه پذیری قومی" و "تسلط به زبان مادری" بر هویت ملی و قومی نمونه مورد مطالعه این تحقیق به چه صورتی است؟

۲) سوابق نظری

به دلیل اهمیت هویت این موضوع از سوی رشته‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته و ادبیات متنوعی پیرامون آن شکل گرفته است. در این بخش بر دیدگاه‌های تأکید می‌شود که تحقیق را در تبیین بهتر مساله مورد بررسی یاری می‌نمایند.

مفهوم "هویت" با نام اریکسون^۱ و تاجفل پیوند خورده (Umana, 2004: 10)، از پیچیده‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و واجد معانی متعدد است. این واژه و سایر اصطلاحات مرتبط از سوی رشته‌های مختلف علمی با توجه به خاستگاه، موضوع، اهداف، زمینه مطالعاتی، سطح تحلیل و ابزار تحقیق به گونه‌ای مورد توجه قرار گرفته است (مقصودی، ۱۳۸۶: ۸۴) و باعث شده تا هر محقق در موقعیت خاص خود، تعریف ویژه‌ای از این اصطلاح و عبارات وابسته داشته باشد. به نظر گیدنز هویت منبع معنا برای کنشگران است (نوجه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲). شیخاوندی آن را مجموعه‌ای از

1 Erikson

علایم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی می داند که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۶).

هویت دارای ابعاد و سطوح مختلفی همچون هویت شغلی، جنسی، دینی، جهانی، ملی، قومی و... است که در این مقاله تاکید بر دو بعد اساسی آن یعنی هویت ملی و قومی است. هویت ملی به عنوان پدیده ای اجتماعی - سیاسی، محصول دوران مدرن اروپاست و می توان شکل گیری آن را با شکل گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶: ۱۰۱). هویت ملی به دلیل تاثیر زیادش در تمامی حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مهمترین نوع از انواع هویت (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹) فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی است (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۴). این اصطلاح در عین حال مفهومی دو وجهی است که همانند اصطلاح هویت، همزمان بر افتراق و اشتراک دلالت دارد و امری انباشتی و تراکمی است. در تعریف هویت ملی نکته اصلی اینست که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی می داند و تا چه اندازه احساس یگانگی با واحد سیاسی می کند، به عبارت دیگر افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک جغرافیای سیاسی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند، از لحاظ روانی هم خود را عضو این نظام سیاسی می دانند یا نه؟ (قیصری، ۱۳۷۷: ۵۰).

با نگاهی به تحقیقات و دیدگاه صاحب نظران ایرانی می توان دریافت که اغلب محققان این حوزه که حاجیانی با عنوان ترکیب گرایان از آنها یاد می کند، هویت ایرانی را دارای عناصری چون سرزمین، زبان و ادبیات، دین، آیین ها و مناسک، دولت و... می دانند (حاجیانی، ۱۳۷۹). در این تحقیق با در نظر داشتن مباحث تئوریک، پیشینه تحقیق و آزمون های انجام شده، هویت ملی دارای ابعاد پنج گانه (۱) بعد سرزمینی (جغرافیایی)، (۲) بعد فرهنگی - اجتماعی، (۳) بعد سیاسی، (۴) بعد تاریخی و (۵) دینی در نظر گرفته شد و مورد سنجش قرار گرفت.

هویت قومی نیز پدیده ای پویا، چند بعدی و همیشه در حال تحول است که تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته است. تاجفل آن را بخشی از مفهوم فرد می داند که از آگاهی اش نسبت به

عضویتش در یک گروه قومی با ارزش ها و احساسات مربوط به آن ناشی می شود. هلمز^۱ هویت قومی را احساس تعلق فرد به یک گروه قومی می داند که این گروه میراث فرهنگی، ارزش ها و منش های خاص خود را دارد (Phinney&Chavira,1992:271).

الطایی هویت قومی را نوعی هویت اجتماعی می داند که در آن روابط عاطفی اعضا بیشتر بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه کلی بر آن حاکم است (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶:۱۲۱)، نهایتاً هویت قومی همانند هویت ملی نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می شود (اکوانی، ۱۳۸۷:۱۰۱).

از موضوعات اساسی و چالش برانگیز در خصوص هویت ملی و قومی چگونگی تعامل و ارتباط این دو به عنوان بخش های اساسی هویت است. این موضوع نه تنها برای محققین مسایل اجتماعی بلکه برای بسیاری از رهبران جوامع دارای تنوع قومی، حساسیت برانگیز است (Berry,2006:34). به طور کلی در مورد چگونگی ارتباط دو متغیر هویت قومی و ملی به طور کلی می توان به دو رویکرد کلان اشاره نمود: در رویکرد نخست، که به مدل خطی معروف است، رابطه این دو متغیر به صورت خطی تصور می شود و اعتقاد بر این است که تقویت هویت ملی در گرو تضعیف و یا از بین رفتن هویت قومی است و چنانچه هویت قومی تقویت شود تضعیف هویت و انسجام ملی را در پی خواهد شد (Phinney,2001:501). در این رویکرد کنشگران انسانی صرفاً باید دست به گزینش بزنند که دارای هویت ملی و یا قومی باشند و در واقع جمع این دو جمع اضداد است. همین نگرش و رویکرد برای سالها و دهه های طولانی بر سیاست های هویتی و قومی بسیاری از کشورها (از جمله ایالات متحده، کانادا و...) حاکم بود و متعاقب آن سیاست های یکسان سازی در بسیاری از کشورها اجرا گردید. عده ای از جمله نتایج جهانی شدن در حوزه هویت را از بین رفتن هویت های محلی، قومی و فرو ملی به نفع هویت های ملی و فرا ملی می دانند. البته این دیدگاه طرفداران قدیمی نیز دارد، پایه گذاران جامعه شناسی مدرن، مارکس، دورکیم و وبر نیز معتقدند رشد سازمان های مدرن

1 Helms

2 Linear Model

باعث تضعیف دین و قومیت به عنوان سازمان های اصلی می شود (Giddens, 1991: 207). در مدل غیر خطی اعتقاد بر اینست که تقویت هویت قومی لزوماً منجر به تضعیف هویت و انسجام ملی نمی شود و یا تقویت هویت ملی در گرو تضعیف هویت قومی نیست، بلکه می توان در عین تقویت هویت ملی، افراد از هویت قومی بالایی نیز برخوردار باشند، حتی این امکان هست که هویت ملی و قومی فرد به طور همزمان قوی و یا ضعیف باشد (Phinney, 2001: 501). طرفداران این دیدگاه معتقدند که چه بسا این دو نوع هویت می توانند همدیگر را تقویت نمایند و افراد انسانی می توانند همزمان دارای هویت های گوناگونی باشند. این طرز تفکر و ایده تحت تاثیر دیدگاه نظریه پردازان کنش متقابل نمادین است که هویت (خود) را چندگانه و ترکیبی می دانند. استرایکر از متاخرین این مکتب خود را مجموعه ای متشکل از هویت های مجزا تعریف کرده که هر یک معرف پایگاه درونی شده ای هستند و در تعامل اجتماعی شکل گرفته اند؛ اما تعهد خود به همه آنها یکسان نیست. بنابراین خود مشتمل بر هویت های چندگانه با نام و نشان های مختلفی است (حاجیان، ۱۳۸۷: ۳۴) که لزوماً در تعارض با یکدیگر نیستند. در ادامه به گونه ای مختصر به برخی از دیدگاههای صاحب نظران مرتبط با مدل غیر خطی پرداخته می شود.

به گمان مک کال و سیمونز (۱۹۷۸) سلسله مراتبی را در هویت های گوناگون افراد می بینیم که این سلسله مراتب می تواند بر حسب شرایط و موقعیت تغییر کند و جابجا شود. پایداری هویت ها و همچنین تعهد به هویت ها نتیجه پاداش های درونی و برونی همراه با یک هویت است (Turner, 1998: 377). لاولر مدعی است که افراد بدلیل ساختارهای اجتماعی همزمان دارای چندین هویت هستند و این موقعیت ها و شرایط است که احساس مثبت یا منفی را ایجاد می کند (عالمی، ۱۳۸۰: ۸۰). بارث هویت ها را تغییر ناپذیر و ابدی نمی داند، به عبارتی تداوم، بازنگری، ترکیب و انعطاف پذیری هویت در عمل و موقعیت، ایده اصلی بارث است (Garcia, et al, 1995: 203).

آلتوسر می گوید روابط بین هویت ها ترکیبی است نه تزاومی. تعلقات هویتی گوناگون فرد را می توان در تعامل با هم و در کنار همدیگر دید. روابط ترکیبی همان پنجه دست است که در آن هر بندی

استقلال یا هویت مستقل از کف دارد، در عین حال با هم گونه ای روابط ترکیبی دارند، وجود بندهای مستقل به این معنا نیست که اینها روابط تزاومی دارند و بند اول باعث تضعیف و ضایع شدن بند دوم و در نهایت فروپاشی ساخت می شود، بلکه این تعلقات و شیوه های مختلف را می توان در مجموع و در کنار یکدیگر و در تعامل با هم دید (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۳۶). گیدنز بدلیل امکان گزینش ها و انتخاب های بیشتر در دنیای امروز افراد را دارای هویت های گوناگونی می داند که به طور مداوم و روزمره ایجاد می شوند و پیوسته تغییر می یابند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۹۵).

کوهن بر تنوع بخشی در منابع هویت ساز و تعلق انسان ها به اجتماعات و گروه های گوناگون و در نتیجه احراز هویت های گوناگون تاکید دارد که با یکدیگر نیز همزیستی دارند. در عین حال این هویت ها ممکن است تغییر کنند، دگرگون شوند و از زمینه ای به زمینه دیگر تفاوت یابند. کوهن استدلال می کند هر چه مردم در زندگی روزمره شان با یکدیگر حشر و نشر بیشتری داشته باشند، احتمال آن که یکدیگر را همچون همتا (خود) به شمار آورند، بیشتر است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

زمانی که رابرتسون از «عام شدن خاص و خاص شدن عام» (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵) و روزه‌نا از حرکت «تمرکزگرا» و «گریز از مرکز» در دوران کنونی سخن می گویند، در حقیقت صحبت از شکل گیری هویت های چندگانه فراملی، ملی و محلی می کنند که با هم و در تعامل با هم هستند. نهایتاً فاس معتقد است بدلیل شرایط و مقتضیات امروزی توجه به هویت های ترکیبی افزایش یافته و فینی داشتن هویت ملی و هویت قومی قوی را باعث ایجاد سازگاری بیشتر و شرایط بهتر برای گروه های قومی و اکثریت می داند (Phinney, 2001: 493).

با توجه به تایید رابطه بین هویت ملی و قومی در اکثر تحقیقات داخلی تئوری مورد تاکید ما برای تبیین مساله پژوهش، نظریه کنش متقابل نمادین و دیدگاه مشترک صاحب نظرانی چون مید، مک کال، سیمونز، استرایکر، کولی، گلاسر، فینی، برک، کوهن، رابرتسون و روزه‌نا است که بر تعدد، ترکیبی و چندگانه بودن هویت تاکید دارند. براین اساس می توان گفت که کنشگران در یک نظام اجتماعی نمی توانند به هویت های مختلف در اطرافشان بی اعتنا و بی توجه باشند. به عبارتی در شرایط طبیعی افراد جامعه با انواع مدلها، الگوها و هویت های فرهنگی آشنا شده و از طریق فرایندهای جامعه

پذیری، اثرپذیری از قدرت سیاسی، رسانه‌ها، عوامل طبیعی و جغرافیایی همگی آنها را به تدریج (و در طول زمان) درونی کرده، خود را متعهد و متعلق به آنها تصور می‌نمایند. واقعیت اینست که موضوع هویت همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی - انسانی در موقعیت‌ها و زمان‌های گوناگون اثرپذیری از متغیرهای گوناگون دارند (Bourish, 1997). در ادامه به سه متغیر اساسی "احساس محرومیت نسبی"، "جامعه‌پذیری قومی" و "میزان تسلط به زبان مادری" به عنوان متغیرهای مستقل تاثیر گزار بر هویت ملی و قومی پرداخته می‌شود.

۲-۱) احساس محرومیت نسبی، هویت ملی و قومی

رابرت گار^۱، از نظریه پردازان رهیافت «محرومیت نسبی»، احساس محرومیت را نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی می‌داند که بسته به شدت پابندی به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، باعث نارضایتی و خشم می‌گردد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). از نمودهای احساس محرومیت نسبی «احساس تبعیض» است (نواح، ۱۳۸۶: ۱۴۹). رابرت گار در کتاب «قومیت‌ها و دولت‌ها» سه نوع تبعیض را نام می‌برد: تبعیض اقتصادی، تبعیض سیاسی و تبعیض فرهنگی (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). فرض اصلی رابرت گار اینست که احساس محرومیت نسبی پیش شرط کشمکش‌های داخلی خشونت‌آمیز است. صاحب‌نظران دیگر نیز تاکید نموده‌اند که هر قدر میزان احساس محرومیت در یک گروه قومی بیشتر باشد و آن گروه احساس کند فرهنگ، زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی‌اش تشدید شده (Brain & Hunt, 2009: 23) که در حالت افراطی به صورت قوم‌مداری متجلی خواهد شد (قیم، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

صاحب‌نظران دیگری همچون تاجفل^۲، ترنر^۳، رابرت گار و برانسکام^۳ بر نقش احساس محرومیت در برجسته شدن هویت قومی، تضعیف هویت ملی و کم رنگ شدن پیوند بین هویت ملی و قومی تاکید دارند (Bourish, 1997: 589).

1 Ted Robert Gurr

2 Turner

3 Branscombe

فینی بر این باور است که اگر گروه های قومی، تمامیت خواهی اکثریت را احساس نمایند عکس العمل نشان داده و انسجام قومی شان تشدید و ارزشهای قومی خود را برتر خواهند شمرد (Phinney&Chavira,1992:277). بری نیز بر نقش و تاثیر منفی تبعیض و پیش داوری بر چگونگی تعامل هویت ملی و قومی با یکدیگر تأکید دارد (Berry,1999:58). یومانا در تحقیقاتش دریافت که هر چقدر احساس محرومیت نسبی در شخص شدیدتر باشد احتمال بروز پیشداوری نسبت به فرد یا گروه مورد مقایسه در وی بیشتر می شود (Umana,2008:19).

به باور برانسکام احساس محرومیت در اقلیت های قومی باعث نتایج روانشناختی همچون کاهش عزت نفس، پریشانی و اضطراب می شود (Clarck,1999). اما افراد در مقابل این نتایج منفی منفعلانه عمل نمی کنند بلکه تلاش می کنند ارزش، احترام، کمبودها و محرومیت های خود را با بازگشت به ارزش های قومی جبران نمایند (Cross,1995: 113). دلیل این امر ناشی از نیاز افراد به احساس تعلق است، چنانچه فرد حس نماید از طرف اکثریت طرد می شود به گروه قومی خود نزدیکتر و احساس تعلق قومی بیشتری خواهد نمود. در حقیقت نزدیک شدن به گروه قومی خود به عنوان سپر محافظی در مقابل تبعیضات و پیشداوری های اکثریت عمل می کند (63 Crocker&Luhtanent,1990). با افزایش هویت قومی در نتیجه احساس محرومیت، ضدیت بر علیه گروه مسلط حاکم افزایش می یابد (Branscombe,1999:138). علت اصلی ایجاد احساس محرومیت، خودآگاهی قومی است (Umana,2008:20) که این خودآگاهی نیز پیامد فرایندهای مختلفی همچون جهانی شدن است. به باور رابرتسون و گیدنز با تعمیق فرایند جهانی شدن و انقلاب عظیم ارتباطات، دسترسی افراد به اطلاعات آسان تر شده و این امر امکان مقایسه وضعیت اقلیت های قومی را در قیاس با گذشته خود، هم تباران، گروه های حاکم و ... برای اعضای گروه های قومی فراهم نموده و نهایتاً منجر به افزایش خودآگاهی و خودیابی قومی شده است (الطایبی، ۱۳۷۸:۱۳۸). البته در بحث محرومیت توجه به این مساله اساسی ضروری است که محرومیت در یک جامعه می تواند واقعی یا غیر واقعی باشد و شکل گیری احساس محرومیت صرفاً ناشی از محرومیت و تبعیض نیست و به عوامل مختلفی دیگری همچون سطح سواد و آگاهی (Umana,2008:21)، طبقه اجتماعی، تعاملات برون و درون گروهی، تبلیغات و ... مرتبط است (Lohm,2006:35).

۲-۲) جامعه پذیری قومی، هویت ملی و هویت قومی

از جمله متغیرهای مهم موثر بر هویت بویژه هویت قومی که مورد توجه محققان خارجی است «جامعه پذیری قومی» است. شکل گیری هویت قومی طی فرایند اجتماعی شدن و از دوران کودکی آغاز و در دوران نوجوانی و جوانی کشف می شود (Ruble, 2004 : 292). افراد در طول زندگی خود همیشه از این فرایند متأثر می شوند. اما طبیعی است که این تاثیرپذیری در مقاطعی از زندگی بویژه نوجوانی و جوانی از شدت بیشتری برخوردار است. بر اساس دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین و نظریه یادگیری اجتماعی تاثیر عواملی همچون خانواده، همسالان، معلمان، همسایه ها و رسانه ها در جامعه پذیری افراد بسیار اساسی است که در این میان تاثیر والدین بسیار اساسی است (Umana&Fine, 2004: 53) در رابطه با گروه قومی خود نیز اصولا درک مثبت و یا منفی فرزندان از گروه قومی تحت تاثیر پیام های است که از سوی والدین صادر می شود (110 Knight, 1993). در فرایند جامعه پذیری قومی کسانی که دارای هویت قومی مشخص تری هستند سازگاری روانشناختی بیشتری نیز نسبت به سایرین دارند (Seaton, 2006: 419).

در تعریف جامعه پذیری قومی گفته می شود؛ درجه ای است که اعضای خانواده در رابطه با قومیت شان مستقیم یا غیر مستقیم به فرزندان شان آموزش های می دهند (Umana&shin, 2007: 181). علیرغم اهمیت متغیر جامعه پذیری قومی بر روی هویت قومی افراد، تحقیقات کمی در این خصوص صورت گرفته (Umana&Yazidjian, 2006: 447) و جای خالی این متغیر بویژه در تحقیقات داخلی کاملا محسوس است و از دلایل بررسی این متغیر همین خلاء بود. در این تحقیق از بین عوامل جامعه پذیری صرفا بر نقش خانواده تاکید شده است.

۲-۳) زبان مادری، هویت ملی و قومی

زبان همواره از مهمترین عوامل یکپارچه سازی و یا ایجاد شکاف در جوامع بوده است و به عنوان یکی از فاکتورهای مهم هویت ساز قلمداد می شود. در واقع زبان اساس فرهنگ است و انسان از طریق زبان، گذشته، حال و آینده را با هم مرتبط می کند. حیات فرهنگی یک ملت و گروه منوط به حفظ و حراست از زبان است. درباره نقش زبان در موضوع هویت ملی و هویت قومی می توان از دو دیدگاه

تکثرگرا و وحدت گرا نام برد. برخی معتقدند به دلیل انس و الفت انسان با زبان مادری و گرایش غریزی او به این زبان، باید زمینه‌ای فراهم ساخت تا زبان مادری هر قوم از آزادی نشر و انتشار، تکلم و تدریس برخوردار باشند. براساس این دیدگاه اصل بر تنوع و تکثر است. در مقابل، دیدگاه وحدت گرا حفظ و تقویت همبستگی ملی را اصل می‌پندارد و معتقد است مهمترین وسیله تحقق این اصل و ایجاد همبستگی در جامعه زبان واحد و مشترک است. در بین جامعه شناسان کنت معتقد به لزوم ذوب خرده زبانها در زبان مشترک و ملی است. این دیدگاه نه تنها آموزش یک زبان را به تمام افراد جامعه ضروری می‌داند، بلکه اساسا وجود زبانهای مختلف نظیر زبان مادری در یک جامعه را عامل تفرق و ناسازگاری اعضای آن جامعه به شمار می‌آورد که وحدت ملی و پیشرفت آن را مختل می‌کند (Umana & Yazedjian, 2006: 442).

به اعتقاد یومانا علی‌رغم اهمیت فوق العاده زبان در موضوع هویت اما محققان کمی به این موضوع پرداخته اند (Umana, Yazedjian, 2006: 440). توجه به نتایج همین تحقیقات پراکنده در این رابطه قابل تامل است. پرتز در تحقیقی دریافت که با کاهش تسلط به زبان مادری و از بین رفتن سلاست زبان مادری در نسل های بعدی مهاجران کاهش هویت قومی دیده می‌شود (Portes & Schaufli, 1994). آلبا، لی و ورکیوتن، روزنتال و فلدمن هم به طور مشابهی نشان می‌دهند که کم‌رنگ شدن نمادهای قومی بویژه زبان مادری منجر به کاهش هویت قوم می‌شود (Alba, 1990; Lay & Verkuyten, 2002; Rosental & Feldman, 1992). پادالیا در پژوهشی دریافت مادرانی که تسلط کمتری به زبان مادری دارند در انتقال مشخصه ها و ارزش های قومی به فرزندان شان دچار مشکل بوده اند و در نتیجه فرزندان چنین مادرانی از هویت قومی کمتری نسبت به دیگر گروه مورد بررسی برخوردار بوده اند (Kim, 1996).
خلاء موجود در مطالعه نقش زبان مادری بر هویت بویژه هویت قومی از انگیزه های اصلی تحقیق در پرداختن به آن است.

۳) سوابق تجربی

تبدیل شدن تنوع قومی به یک موضوع اساسی پس از دهه ۱۹۶۰ سبب تالیف کتب، مقالات و تحقیقات زیادی شده و خوشبختانه در ایران نیز این موضوع مورد اقبال بوده است.

- حاجیان (۱۳۸۷) در پژوهشی به «بررسی منابع هویت ایرانی» می پردازد. این پژوهش که یکی از جامع ترین تحقیقات هویتی کشور است به هویت های چهارگانه ملی، قومی، دینی و جهانی گروه های قومی آذری، کرد، بلوچ، فارس، ترکمن، لر و عرب پرداخته است اهداف اصلی محقق عبارتند از: بررسی میزان قوت و ضعف هر کدام از هویت های چهارگانه (ملی، قومی، دینی و جهانی) و بررسی روابط و مناسبات میان ابعاد هویت های چهارگانه.

نتایج نشان داد که جمعیت نمونه با تفاوتی به تمامی ابعاد چهارگانه هویت تعهد و تعلق و گرایش جدی و قوی داشته و نسبت به همگی آنها متعهد هستند. همچنین تحلیل ها نشان داده که هویت های مورد بحث دارای تعاملات و مناسبات مختلفی با همدیگر هستند هر چند قوت این مناسبات و روابط در همه موارد یکسان و یک اندازه نیست. نتیجه کلی آنست که ابعاد فرهنگی انواع هویت (اعم از ملی، مذهبی، قومی) مناسبات قوی و جدی و هم افزایانه دارند. قومیت سیاسی و قوم مداری که نوعاً معرف یک خصیصه هستند با ابعاد فرهنگی هویت های ملی و مذهبی ارتباط منفی و کاهشنده دارند و ابعاد هویت مدرن با سایر ابعاد هویت بی ارتباط اند.

- فکوهی (۱۳۸۱) در پژوهشی به «شکل گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)» می پردازد. هدف اصلی بررسی سه سطح تعلق (قومی، ملی و جهانی) و تداخل ها و ارتباطات میان آن هاست. در مجموع محقق وجود برخی روابط مثبت و هماهنگ را بین برخی از شاخصه ها و مولفه های هویت محلی (قومی) بویژه با هویت ملی تایید می کند و نتیجه می گیرد، شکل گیری هویت محلی به صورت های مختلف چه به صورت قومی و چه به صورت منطقه ای امری لزوماً منفی نیست، بلکه مزایایی نیز دارد. لذا پیشنهاد می کند تا در کنار هویت ملی هویت های محلی نیز تقویت شود.

- رضایی و همکاران (۱۳۸۶) به «بررسی میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی ترکمن های ایران» در استان گلستان پرداخته اند. فرضیه اصلی محقق اینست که بین میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی ترکمن رابطه وجود دارد. برای سنجش هویت ملی چهار مولفه؛ میراث فرهنگی، زبان، سرزمین و تاریخ و برای هویت قومی چهار مولفه؛ میراث فرهنگی، زبان، مذهب و تاریخ انتخاب

شده است. نتایج حاکی از آنست که ترکمن ها نه تنها هویت قومی بالایی دارند بلکه از هویت ملی قوی نیز برخوردارند و بین این دو هویت همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد.

- پژوهشی با عنوان «تعلقات هویت در تبریز» توسط دژم خو (۱۳۸۷) انجام یافته و هدف عمده تحقیق بررسی میزان تعلق افراد به هویت های ملی، قومی، دینی و جهان وطنی است. نتایج نشان داد از لحاظ تعلق هویتی به ترتیب؛ هویت قومی، هویت ملی، هویت جهان وطنی و هویت دینی قرار دارند. استفاده از رسانه های گروهی تأثیری در تعلق به هویت های ملی، دینی و جهان وطنی نداشته، اما در هویت قومی نقش رسانه ها برجسته و معنادار است. در مورد انتظارات خانواده و دوستان با تعلق به هویت ملی و قومی ارتباط معناداری مشاهده شده است. به این ترتیب که در تعلق به هویت ملی خانواده اهمیت بیشتری به آذربایجانی خوب بودن، مسلمان خوب بودن و انسان خوب بودن می دهد. این در حالی است که پاسخگویان هیچ اشاره ای به انتظارات خانواده در زمینه ایرانی خوب بودن نکرده اند و اساساً این انتظار در محیط خانواده به کلی انکار شده است.

- کاویانی راد (۱۳۸۰) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی و مطالعه موردی قوم بلوچ» انجام داده است. تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری اعضای شورای اسلامی، نخبگان و مقامات سیاسی بوده اند سوالات محقق عبارتند از؛ وجوه اشتراک و تمایز قوم بلوچ با ملت ایران در چه زمینه های است؟ و آیا دنباله قومی بلوچ در خارج از کشور از طریق تقویت گرایشات درون قومی و کاهش علایق ملی باعث تقویت نیروهای گریز از مرکز در این منطقه می شود؟ محقق نتیجه می گیرد معتقدات و مشترکات قوم بلوچ با ملت ایران در حوزه تاریخ، قوم، نژاد و فرهنگ می باشد و تفاوتها و تمایزات متأثر از حوزه های مذهب، ساخت اجتماعی، فاصله جغرافیایی و غفلت دولت مرکزی است. در نهایت دنباله قوم بلوچ در خارج از کشور از طریق تقویت میل درون قومی و کاهش علایق ملی، باعث تقویت نیروی گریز از مرکز در این منطقه می شود.

- قیصری (۱۳۷۷) به "سنجش گرایش قومیت عرب نسبت به هویت ملی" پرداخته و هویت ملی با سه شاخص سرزمین، حاکمیت (دولت) و ملت سنجیده شده است. نتیجه کلی آنست که احساسات قومی در حال تقویت اما میانگین هویت ملی نیز در حد قابل قبولی است که در این میان شاخص سرزمین بالاترین نمره را به خود اختصاص داده است.

- اکوانی (۱۳۸۷) به بررسی هویت ملی و قومی در عرب های خوزستان می پردازد. فرضیه اصلی تحقیق این است که عرب های خوزستان به هویت ملی و قومی گرایش فراوانی دارند. نتایج نشان می دهد عرب ها نه تنها گرایش بسیاری به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و این علاقه باعث کاهش گرایش به هویت ملی نشده است. ضمن آنکه منشا برخی ناهمگرایی ها را باید در بررسی شاخص های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» جست نه در مولفه های ذهنی و تمایزگرایانه.

- «بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد» عنوان تحقیق مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷) است. این تحقیق به بررسی جامعه شناختی رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد پرداخته و سعی کرده است به پرسش های زیر پاسخ دهد: میزان پایداری به هویت ملی و هویت قومی چقدر است؟ چه رابطه ای بین هویت قومی و هویت ملی وجود دارد؟ و عوامل موثر بر پایداری به هویت ملی و هویت قومی کدامند؟

نتایج نشان داد نمونه تحقیق نسبت به همه مولفه های هویت ملی و قومی پایداری زیادی دارند، اما نسبت به بعد دولت پایداری کمی نشان می دهند، این امر ناشی از احساس نابرابری (تبعیض و محرومیت) است که دولت را عامل آن می دانند. همچنین رابطه بین هویت ملی و هویت قومی مستقیم و سازگار است. در تحلیل چند متغیره، نابرابری اجتماعی بالاترین سهم را در تبیین و پیش بینی پایداری به هویت ملی و هویت قومی داشته است. از نظر این محققان، تقویت هویت ملی به منظور وحدت و انسجام جمعی عام و حفظ هویت های قومی، با اتخاذ سیاست «وحدت در کثرت» قابل تحقق است.

- آموسی (۱۳۸۴) به «بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان کرد پیرانشهر» که به طور حرفه ای به کشور عراق در رفت و آمدند، می پردازد. روش تحقیق از نوع کیفی و از مصاحبه های عمیق استفاده شده است. نتایج نشان داد نمونه تحقیق به لحاظ تقویت خودآگاهی منتج از تحولات منطقه ای، شرایط جهانی شدن، بالا رفتن میزان سواد عمومی، آگاهی به مسئله تبعیض سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رواج گسترده رسانه های کردی زبان مثل ماهواره، تمایل به دخالت دادن آنان در امر حکومت داری و دور بودن آنان از این مقوله، باعث تقویت هویت

کردی شده است. نمونه تحقیق به لحاظ فرهنگی، چندان نسبت به هویت ایرانی احساس دوری نکرده و بسیاری از عناصر فرهنگی را بین ایرانی ها و کردها مشترک می دانند، اما این قضیه در مورد هویت سیاسی ایرانی (هویت ملی) به کلی متفاوت است.

کلارک (۱۹۵۰) در تلاش برای سنجش میزان گرایش جوانان آمریکایی- آفریقایی تبار به هویت قومی - نژادی نشان داد که حرکت نسبتاً آرام به سمت بازگشت به هویت های قومی در بین افراد مورد مطالعه دیده می شود (French, 2006). فرنچ طی سه سال تحقیق در خصوص هویت قومی سه گروه آمریکاییهای - آفریقایی تبار، لاتین و اروپایی دریافت که افتخار به گروه قومی خود در دو گروه نخست، آمریکاییهای - آفریقایی تبار و لاتین تبار نسبت به آمریکاییهای اروپایی تبار کمتر است. اما نتایج دیگر تحقیق وی نشان داد که طی سه سال، توجه به هویت قومی در بین دو گروه نخست نسبت به آمریکاییهای اروپایی تبار افزایش داشته است (French, 2006).

شمایی در تحقیق «هویت ملی و قومی دانشجویان یهودی دانشگاه تورنتو» تاثیر مثبت احساس محرومیت بر هویت قومی و تاثیر منفی آن بر هویت ملی را نشان می دهد، همچنین مشخص شد هویت قومی نمونه تحقیق نسبت به هویت ملی شان شدیدتر است و خانواده بر هویت قومی و دو متغیر مدرسه و دانشگاه تاثیر مثبت بیشتری بر هویت ملی داشته اند. نهایتاً می گوید نباید در رابطه دو متغیر "هویت ملی و قومی" نگاهی ساده انگارانه داشت بلکه رابطه بین قومیت و ناسیونالیسم بسیار پیچیده و در بین گروه های مختلف متفاوت است و از الگوی یکسانی تبعیت نمی کند (Shamai, 1986).

یومانا در تحقیقی با عنوان " بررسی هویت قومی مهاجران در شهر الینویز " تاثیر مثبت متغیرهایی احساس محرومیت و تبعیض، عزت نفس و شیوه اجتماعی کردن خانواده در برجسته شدن هویت قومی اعضای گروه های قومی را نشان داد (Umana, 2008). پرون (۱۹۹۵) در تحقیق " بررسی توسعه هویت قومی در بین دانش آموزان گروه اقلیت و اکثریت ایالت کبک کانادا نشان داد دانش آموزان اقلیت که توانایی بیشتری در استفاده از زبان مادری شان دارند از هویت قومی بالاتری نسبت به دیگر دانش آموزان برخوردارند. چنین نتیجه ای توسط یومانا و یازدجیان در بین مهاجرین پروتوریکوی و مکزیکی در آمریکا گزارش شده است (Umana & yazedjian, 2006).

- یومانا و فاین در تحقیقی به نقش متغیر جامعه پذیری قومی بر هویت قومی چهارگروه قومی - دانش آموزی کلمبیایی، گواتمالا، مکزیکی و پروتوریکویی در آمریکا پرداخته اند. نتیجه اصلی وجود رابطه معنادار و مثبت بین دو متغیر جامعه پذیری قومی و هویت قومی است. همچنین مشخص شد در خانواده های که به ارزش ها و سنت های قومی توجه بیشتری داشته اند، فرزندان شان گرایشات قوم گرایانه بیشتری از خود بروز داده اند. نهایتاً محققان معتقدند در صورت تعلل دولت ها در تشویق و حمایت از فرهنگ های قومی، خانواده با آموزش های خود خلاء موجود را تا حدی پر می کند (Umana&Fine,2004). ساباتیردر بین نسل دوم مهاجران پنج گروه قومی الجزایری، ویتنامی، پرتغالی، موراکی و آنتالیایی در بلژیک به رابطه متغیرهای احساس محرومیت، جامعه پذیری قومی و گروه همسالان با هویت قومی پرداخت که در این میان تاثیر متغیرخانواده بیش از دو متغیر دیگر بوده است (Sabatier,2008).

جمع بندی نظری و تجربی

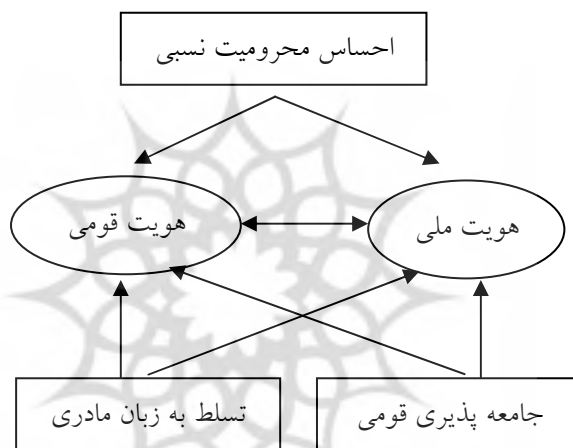
براساس تئوری منتخب پژوهش نظریه کنش متقابل نمادین افراد انسانی به طور همزمان دارای لایه های هویتی گوناگونی هستند که به تناسب شرایط زمانی و مکانی و تحت تاثیر متغیرهای متفاوتی برجستگی می یابند. طرفداران رویکرد غیر خطی نیز به تعاملات متفاوت بین هویت های گوناگون افراد معتقدند همچنین اکثر تحقیقات مورد بررسی بویژه پژوهش های داخلی مورد اشاره وجود رابطه مثبت بین هویت ملی و قومی را نشان می دهند. بر این اساس فرضیه اساسی تحقیق عبارت است از؛ با تقویت هویت قومی، هویت ملی جامعه آماری تقویت می شود.

همچنین توضیح داده شد که متغیرهای مختلفی بر هویت قومی و ملی موثرند که در این میان ارتباط سه متغیر احساس محرومیت نسبی، جامعه پذیری قومی و تسلط به زبان مادری با هویت ملی و قومی مورد بررسی قرار گرفت. براساس دیدگاه برانسکام و رابرت گار با تشدید احساس محرومیت هویت ملی تضعیف و برگشت به ارزش ها و سنت های قومی و محلی تشدید می شود. از دیگر سو برخی از محققان همچون یومانا نشان دادند با کاهش فرایند جامعه پذیری قومی و عدم تلاش والدین در انتقال ارزش های قومی و گروهی به فرزندان و همچنین کاهش تسلط افراد به زبان مادری باعث

شده هویت قومی تضعیف و هویت ملی تقویت گردد. براین اساس دیگر فرضیه های تحقیق عبارتند از:

- با افزایش احساس محرومیت، هویت ملی تضعیف و هویت قومی تقویت می شود.
- جامعه پذیری قومی باعث تقویت هویت قومی و تضعیف هویت ملی می شود.
- تسلط بیشتر افراد به زبان مادری باعث تقویت هویت قومی و تضعیف هویت ملی می گردد.

۴) مدل تحلیلی



شکل ۱: مدل تحلیلی حاصل از ادبیات نظری و تجربی تحقیق

۵) روش شناسی

تحقیق از نوع پیمایشی بوده و از پرسش نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان آذری، بلوچ و عرب دانشگاههای دولتی کشور در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بوده که از آن میان ۶۳۹ نفر از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. برای گزینش نمونه ها از روش نمونه گیری چند مرحله ای استفاده شد. در خصوص نحوه انتخاب نمونه از آنجا که آمار دقیقی از گروه های قومی کشور و از جمله آمار دانشجویان براساس قومیت وجود ندارد، لذا ابتدا بر اساس آمار سازمان سنجش کشور دانشگاه های که به عنوان منطقه بومی سه گروه مورد مطالعه محسوب می

شدند انتخاب شد (بر این اساس برای نمونه آذری دانشگاه تبریز، دانشگاه بلوچستان برای نمونه بلوچ ها و دانشگاه شهید چمران اهواز برای نمونه دانشجویان عرب انتخاب گردید). در مرحله بعد بر اساس درصد احتمالی هر گروه قومی در دانشگاه مورد نظر نمونه ای از طریق فرمول کوکران برآورد شد براین اساس ۴۴/۸ درصد نمونه به گروه آذری، ۲۸/۶ درصد به دانشجویان بلوچ و ۲۶/۶ درصد به دانشجویان عرب اختصاص یافت.

جهت تعیین اعتبار^۱ ابزار اندازه گیری، بدین صورت عمل گردید که پرسشنامه قبل از نهایی شدن در اختیار اساتید و صاحب نظران قرار گرفت تا نظر خود را در مورد مناسب یا نامناسب بودن پرسش نامه اعلام نمایند لذا اعتبار ابزار اندازه گیری از نوع صوری^۲ بوده است. جهت بررسی پایایی^۳ گویه ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ (جدول ۱) استفاده شد.

جدول (۱): سوالات و ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

ضریب پایایی	تعداد گویه ها	متغیر
۰/۸۶	۱۶	هویت قومی
۰/۹۴	۳۶	هویت ملی
۰/۸۲	۱۲	احساس محرومیت
۰/۸۹	۷	جامعه پذیری
۰/۷۸	۳	میزان تسلط به زبان مادری

۵-۱) تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

- هویت ملی

از هویت ملی تعاریف گوناگونی شده است، اما به طور کلی هویت ملی در برگیرنده حس تعلق و نگرش به یک جامعه بزرگتر (کشور) است (Phinney, 2001: 496). هویت ملی مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در

1 Validity

2 Face Validity

3 Reliability

سطح یک کشور است و دارای عناصر سازنده گوناگونی چون ارزشهای ملی، دینی، فرهنگی، جامعه‌ای، انسانی و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، زبانی و غیره است (قربانی، ۲۰۱۳: ۲).

در این تحقیق منظور از هویت ملی میزان آگاهی، وفاداری و تعلق خاطر به اجتماع ملی همچون احساس سربلندی و افتخار نسبت به نمادهای زبان ملی (فارسی)، دین اسلام، آداب و مناسک ملی و مفاخر فرهنگی کشور، مردم و دولت می باشد.

جهت عملیاتی نمودن متغیر هویت ملی میزان علاقه و افتخار افراد به ارزش‌ها و مواریت فرهنگی - تاریخی، اجتماعی، زبانی، سیاسی و دینی مورد سنجش قرار گرفت.

- هویت قومی

هویت قومی احساس تعلق فرد نسبت به عضویتش در یک گروه قومی خاص است (Jacobson, 1998:9) و هلمز آن را احساس تعلق فرد به یک گروه قومی می داند که دارای میراث فرهنگی، ارزش‌ها و منش‌های خاص خود است (Phinney, 2001:271-274). در این تحقیق منظور از هویت قومی میزان آگاهی، وفاداری و تعلق خاطر افراد به اجتماع قومی همچون احساس سربلندی و افتخار نسبت به نمادهای قومی مثل؛ زبان، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی می باشد. برای سنجش هویت قومی از پرسشنامه استاندارد فینی (MEIM)¹ استفاده شد. این مقیاس در حوزه مطالعات قومی مورد توجه است. مقیاس دارای ۱۲ گویه است که پس از مطالعات مقدماتی با اضافه نمودن ۴ گویه دیگر به آن به عنوان ابزار اصلی سنجش هویت قومی مورد استفاده قرار گرفت.

شاخص‌های این مقیاس عبارتند از: احساس تعلق به گروه قومی، درک عضویت در گروه، وابستگی قومی، تلاش در جهت کسب اطلاع در مورد ارزش‌ها و مواریت فرهنگی و تاریخی گروه قومی خود، ارتباط بیشتر با اعضای گروه قومی خود، ترجیح ازدواج در درون گروه قومی خود، مشاهده بیشتر برنامه‌های تلویزیونی به زبان قومی خود و....

1 Multi group Ethnic Identity Measure

- احساس محرومیت نسبی

احساس محرومیت نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت های ارزشی است که بسته به شدت پابندی به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، باعث نارضایتی و خشم میگردد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). احساس محرومیت نسبی به دنبال مقایسه های اجتماعی افراد به وجود می آید. این احساس وقتی در شخص ایجاد می شود که مشاهده کند دیگری چیزی دارد که او ندارد و مایل است داشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۴۴).

در این تحقیق منظور از «احساس محرومیت نسبی» اینست که پاسخگویان این تحقیق تا چه حد احساس می کنند گروه قومی شان در دستیابی به حقوق خود (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی) نسبت به دیگر اقوام کشور برابرند و اعتقاد به ظلم و تبعیض در ابعاد ذکر شده ندارند. جهت عملیاتی کردن این متغیر ۱۲ گویه طرح شد که در آن نگرش پاسخگویان در خصوص چگونگی دستیابی گروه قومی شان به حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی و برابری اقوام ایرانی در دستیابی به این حقوق مورد بررسی قرار گرفت.

- جامعه پذیری قومی

جامعه پذیری قومی تاثیر و نقش خانواده (بویژه والدین) در آموزش مستقیم و غیر مستقیم ارزش ها و باورهای فرهنگ قومی به فرزندان است. نقش خانواده بویژه والدین در انتقال ارزش ها و باورها به فرزندان بسیار با اهمیت است، چنانکه خانواده به عنوان یکی از سه عامل اصلی فرایند جامعه پذیری قلمداد می شود. در این تحقیق تلاش شد تا به نقش و تاثیر خانواده در انتقال ارزش ها و باورهای فرهنگی (قومی) به فرزندان و تاثیر آن بر هویت ملی و قومی افراد مورد مطالعه پرداخته شود. جهت سنجش این متغیر از پرسشنامه ای استفاده گردید که توسط یومانا مورد استفاده قرار گرفته است. این مقیاس بدلیل ضریب پایایی و روایی بالا مورد اجماع اکثر محققان و پژوهشگران است. پس از ترجمه پرسشنامه به فارسی جهت روان سازی گویه ها به چند تن از افراد صاحب نظر ارایه و پس از انجام اصلاحات لازم به آزمون گذاشته شد که نهایتاً

با یک بعد و با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۹) مورد تایید قرار گرفت. شاخص های این مقیاس عبارتند از: نگاه مثبت والدین به گروه قومی، اصرار والدین بر آموزش زبان مادری، احساس تعلق قوی والدین به گروه قومی، آموزش ارزش ها و عقاید قومی از سوی والدین، تعامل خوب والدین با اعضای گروه قومی، تشویق والدین به احترام گذاشتن به ارزش های قومی و بحث از گذشته قومی در خانواده.

- میزان تسلط به زبان مادری

موضوع تنوع زبانی از جمله مسایلی است که در بسیاری از کشورها مطرح است. زبان و آثار ادبی بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. زبان نه تنها به عنوان یک محصول اجتماعی ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و باز تولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می شود. در صورتی که این عنصر از میان برود یا به نوعی تغییر یا استحاله یابد، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز استحاله می یابد (حیدری، ۱۳۸۳). تعاریف زیادی از زبان شده است، از نظر سوسور (۱۹۴۹) زبان عبارت است از نظام نشانه ها یا علائم که در مجموعه وسیعتری به نام "نشانه شناسی" جای می گیرد و زبان یکی از مظاهر شناخت نشانه هاست. نشانه مشتمل بر وحدت "دال" و "مدلول" است. در این تحقیق منظور از تسلط به زبان مادری میزان توانایی افراد در سه مهارت صحبت کردن، خواندن و نوشتن به زبان مادری است. برای سنجش این متغیر با مشورت اساتید و محققانی که در این حوزه مطالعاتی داشته اند سه گویه تهیه و مورد آزمون قرار گرفت که با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۸) مورد تایید قرار گرفت.

۶) یافته ها

از کل نمونه ۴۳/۴ درصد مرد و ۵۶/۶ درصد زن، ۶۱ درصد بومی و ۳۹ درصد غیر بومی دانشگاه محل تحصیل خود بوده اند. میانگین سنی ۲۱/۹ سال و از مجموع دانشجویان ۷۸/۳

درصد در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل بوده اند. میانگین هویت ملی برای کل نمونه ۶۷/۶، برای نمونه آذری ۶۸/۹، نمونه بلوچ ۶۹/۸ و نمونه عرب ۶۵ و میانگین هویت قومی برای کل نمونه ۶۳/۵، نمونه آذری ۶۲/۳، نمونه بلوچ ۵۸/۳ و نمونه عرب ۶۹/۴ بوده است. میانگین احساس محرومیت کل ۶۵/۲، جامعه پذیری قوی ۳۸/۹ و تسلط به زبان مادری ۶۴ بوده است!

فرضیه ۱: با تقویت هویت قومی هویت ملی تقویت می شود.

جدول (۲): آزمون ضریب همبستگی میان هویت ملی و هویت قومی به تفکیک گروه قومی

گروه قومی	هویت ملی			
	آذری	بلوچ	عرب	کل
	S=۰/۰۲	S=۰/۰۵	S=۰/۲۷۳	S=۰/۰۰۰
	R=۰/۲۲	R=۰/۱۱	R=۰/۰۸	R=۰/۲۲

نتایج نشان داد در کل نمونه رابطه بین هویت قومی و هویت ملی معنی دار و مثبت (۰/۲۲) است. به جز نمونه عرب، این رابطه نیز بین دو نمونه آذری (۰/۲۲) و بلوچ (۰/۱۱) معنادار و مثبت بوده است.

فرضیه ۲: با افزایش احساس محرومیت هویت ملی تضعیف و هویت قومی تقویت می شود.

فرضیه ۳: جامعه پذیری قومی باعث تقویت هویت قومی و تضعیف هویت ملی می شود.

فرضیه ۳: جامعه پذیری قومی باعث تقویت هویت قومی و تضعیف هویت ملی می شود.

جهت آزمون سه فرضیه فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که برای رعایت اختصار

نتایج مربوطه یک جدول (۳) گزارش شده است

جدول (۳): آزمون ضریب همبستگی بین متغیر احساس محرومیت، جامعه پذیری قومی و تسلط به

زبان مادری با هویت ملی و هویت قومی

متغیرهای وابسته				گروه قومی	متغیر مستقل
هویت قومی		هویت ملی			
R	Sig	R	Sig		
					احساس محرومیت
۰/۳۱	۰/۰۱	-۰/۶۱	۰/۰۰۰	آذری	
۰/۲۸	۰/۰۰۱	-۰/۵۲	۰/۰۰۰	بلوچ	
۰/۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۳۲	۰/۰۵	عرب	
۰/۲۳	۰/۰۵	-۰/۵۶	۰/۰۰۰	کل	
۰/۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۹	۰/۰۶	آذری	جامعه پذیری قومی
۰/۴۵	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۸۶۴	بلوچ	
۰/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۹۴۱	عرب	
۰/۵۹	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۵۴۲	کل	
۰/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۱	۰/۰۵	آذری	تسلط به زبان مادری
۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۴۲۵	بلوچ	
۰/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳	۰/۰۸	عرب	
۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶	۰/۱۲۴	کل	

در مورد فرضیه دوم نتایج نشان می دهد رابطه بین دو متغیر «احساس محرومیت» و «هویت ملی» در کل (۰/۵۶) و سه گروه مورد مطالعه معنادار اما جهت رابطه منفی بوده است. در خصوص احساس محرومیت و هویت قومی رابطه در کل نمونه (۰/۲۳) و سه گروه مورد مطالعه معنادار و جهت رابطه مثبت است. شدت رابطه در هویت قومی و هویت ملی در گروه قومی آذری بیش از دو گروه دیگر است.

در فرضیه سوم رابطه بین جامعه پذیری قومی و هویت ملی در کل نمونه و سه گروه مورد مطالعه معنادار نبوده است با اینحال این رابطه با هویت قومی در کل نمونه (۰/۵۹) و سه گروه مورد مطالعه

معنادار و جهت رابطه مثبت بوده است که شدت رابطه در گروه قومی عرب (۰/۷۷) بیش از دو گروه دیگر است.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه چهارم نشان داد رابطه بین متغیر تسلط به زبان مادری و هویت ملی در کل نمونه و دو گروه قومی بلوچ و عرب معنادار نشده با اینحال در گروه قومی آذری رابطه معنادار، جهت رابطه منفی و شدت رابطه در حد ضعیف (۰/۱۱-) است. این رابطه با هویت قومی در کل نمونه (۰/۲۰) و سه گروه مورد مطالعه معنادار و مثبت بوده است که شدت رابطه در گروه قومی آذری بیش از دو گروه دیگر است. لذا با تسلط بیشتر افراد به زبان مادری شان هویت قومی شان تقویت شده است با اینحال به جز در گروه قومی آذری تسلط به زبان مادری در تضعیف هویت ملی موثر نبوده و در نمونه آذری نیز شدت رابطه بسیار ضعیف بوده است.

رگرسیون چند متغیره

آزمون های قبلی تاثیر متغیرهای مستقل بر هویت ملی و قومی را به طور جداگانه نشان داد برای بررسی تاثیر چندگانه متغیرها بر هر یک از متغیرهای وابسته رگرسیون چندگانه استفاده شد تا تاثیر همزمان متغیرها آزمون شود.

جدول (۴): رگرسیون چندگانه عوامل موثر بر هویت ملی

متغیرهای داخل مدل - روش ایتر - متغیر وابسته: هویت ملی					
Sig.	t	Beta	SEB	B	مدل
۰/۰۰۰	۱/۹		۱۱/۸	۲۲/۷	Constant
۰/۰۰۰	۱۳/۵	۰/۵۱	۰/۱۲	۱/۶	احساس محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۴/۶	۰/۱۲	۰/۲۵	۱/۱	جامعه پذیری قومی
۰/۰۰۴	۲/۱	-۰/۰۹	۰/۳۷۲	-۰/۷۸	تسلط به زبان مادری
۰/۰۰۰	-۱/۱	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۴۲	هویت قومی
R=۰/۵۶۴		R2=۰/۳۱۲	F=۴۵/۳	Sig=۰/۰۰۰	

نتایج نشان داد «احساس محرومیت» به میزان ۰/۵۱، «جامعه پذیری قومی» به میزان ۰/۱۲، «تسلط به زبان مادری» به میزان -۰/۰۹ و «هویت قومی» به میزان ۰/۱۰ از تغییرات هویت ملی را

تبيين می‌کنند. مقدار آزمون فیشر در سطح کاملاً معنی‌داری است و بیانگر معنی‌داری رابطه متغیر وابسته هویت ملی با مجموعه متغیرهای مستقل معادله است. میزان ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره (۰/۵۶) و نمایشگر همبستگی متوسط به بالای مجموعه متغیرهای مستقل و هویت ملی است. R^2 که میزان آن ۰/۳۱ است، نشان دهنده نسبت واریانس متغیر وابسته هویت ملی است که توسط متغیرهای مستقل در معادله تعیین شده است.

جدول (۵): رگرسیون چندگانه عوامل موثر بر هویت قومی

متغیرهای داخل مدل - روش ایتر - متغیر وابسته: هویت قومی					
Sig	t	Beta	SEB	B	مدل
۰/۰۰۰	۹/۹		۱/۹	۱۹/۸	Constant
۰/۰۰۵	-۰/۴۶	۰/۱۹	۰/۰۵	-۰/۰۲	احساس محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۱۳/۹	۰/۵۴	۰/۰۷	۱/۰۱	جامعه پذیری قومی
۰/۰۰۱	۱/۶	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۲۰	تسلط به زبان مادری
۰/۰۰۵	۱/۰۶	۰/۱۳	۰/۰۱۵	-۰/۰۲	هویت ملی
R=۰/۶۷		R2=۰/۴۴	F=۷۹/۱	Sig=۰/۰۰۰	

متغیر احساس محرومیت به میزان ۰/۱۹، جامعه پذیری قومی به میزان ۰/۵۴، تسلط به زبان مادری به میزان ۰/۱۱ و هویت ملی به میزان ۰/۱۳ از تغییرات متغیر وابسته هویت قومی را تبیین می‌کنند. مقدار آزمون فیشر ($F=۷۹/۱$) در سطح کاملاً معنی‌داری است و بیانگر معنی‌داری رابطه هویت قومی با مجموعه متغیرهای مستقل معادله است. میزان ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R=۰/۶۷$) نمایشگر همبستگی قوی مجموعه متغیرهای مستقل و هویت قومی است. R^2 که میزان آن ۰/۴۴ است نشان دهنده مقدار واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل در معادله تعیین شده است.

(۷) بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی تحقیق بررسی ارتباط هویت ملی و هویت قومی بود. نتایج نشان داد در کل نمونه و دو گروه قومی آذری و بلوچ رابطه معنادار و مثبت است. این نتیجه به عنوان اصلی ترین یافته

پژوهش، در گام نخست تایید تئوری کنش متقابل نمادین و دیدگاه اندیشمندانی است که بر تعدد، ترکیبی و چندگانه بودن هویت تاکید دارند. براساس این تئوری کنشگران در یک نظام اجتماعی نمی‌توانند به هویت‌های مختلف در اطرافشان بی‌اعتنا و بی‌توجه باشند. در شرایط طبیعی افراد با انواع مدلها، الگوها و هویت‌های فرهنگی آشنا شده و از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری، اثرپذیری از قدرت سیاسی، رسانه‌ها، عوامل طبیعی و جغرافیایی همگی آنها را به تدریج (و در طول زمان) درونی کرده، خود را متعهد و متعلق به آنها تصور می‌نمایند. باید تصریح کرد جمعیت نمونه به دو هویت ملی و قومی، تمایل، تعهد و گرایش داشته و نسبت به هر دو متعهد هستند. هر چند در میزان این احساس تعلق و تعهد تفاوت‌هایی در بین اقوام مورد مطالعه مشاهده می‌شود.

تحلیل‌ها نشان دهنده آنست که اولاً هویت‌های ملی و قومی دارای تعاملات و مناسبات مختلفی با همدیگر هستند. هر چند قوت این مناسبات و روابط در همه نمونه‌های مورد مطالعه یکسان و یک اندازه نیست و انواع وام‌گیری، تداخل و نهایتاً همزیستی بین عناصر مختلف هویت ایرانی (با تاکید بر هویت ملی و قومی) وجود دارد، که این موضوع می‌تواند به عنوان ظرفیت بالایی جهت غنای فرهنگی هویت ایرانی در نظر گرفته شود.

دوم آنکه، این نتیجه را می‌توان تایید رویکرد غیر خطی دانست. رویکردی که تقویت هر یک از هویت‌های ملی و قومی را به ضرر دیگری تفسیر نمی‌کند و در رابطه بین این دو هویت احتمالات مختلفی را در نظر می‌گیرد، از آن جمله وجود تعامل و تاثیر هم‌افزا و تقویت‌کننده این دو نوع هویت بر همدیگر، نتیجه‌ای که در کل نمونه و دو گروه قومی آذری و بلوچ حاصل گردید. البته چنین نتیجه‌ای علاوه بر پشتوانه تئوریک از پشتوانه تجربی داخلی و خارجی زیادی نیز برخوردار است. چنانکه شمایی (۱۹۸۶)، فینی و همکاران (۲۰۰۱)، حاجیانی (۱۳۸۷)، رضایی و همکاران (۱۳۸۶)، فکوهی (۱۳۸۱)، کاویانی راد (۱۳۸۰) و مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷) که در سایر اقشار و دیگر گروه‌های قومی جامعه انجام یافته، تایید شده است.

در نتیجه مربوط به نمونه عرب موضوعی که جلب توجه می‌کند عدم همخوانی و معنی‌دار نبودن رابطه بین هویت قومی و هویت ملی این گروه بر خلاف دو گروه آذری و بلوچ است. این نتیجه تا حدودی متفاوت از نتیجه فیصری (۱۳۷۷) و اکوانی (۱۳۸۷) است. اگرچه بایستی با احتیاط به

این نتیجه نگریست. اما این نتیجه تایید دیگری بر دیدگاه غیر خطی است که احتمال روابط گوناگون بین این دو متغیر را در بین گروه های مختلف و تحت شرایط و زمینه های مختلف در نظر می گیرد و بری (۲۰۰۶) نشان داد که وجود روابط گوناگون بین این دو متغیر محتمل است.

ارتباط مثبت بین دو نوع هویت ملی و قومی در این تحقیق و پژوهش های مشابه نشان می دهد که هویت ایرانی ترکیبی و در حقیقت برآیند دیالکتیکی حاصل از تعامل و کنش همه اقوام و فرهنگ های ایرانی است و تعارض و ناسازگاری میان ابعاد مختلف آن دیده نمی شود. بدلیل ترکیبی بودن هویت ایرانی، تاکید آگاهانه یا ناآگاهانه بر یک یا چند بعد آن نه تنها تقویت هویت ملی را در پی نخواهد شد بلکه ممکن است واکنش هایی را سبب شود که نهایتاً به تضعیف هویت و انسجام ملی منجر خواهد شد. لذا بر این اساس اعمال سیاست تکثر قومی و فرهنگی مبتنی بر اصل وحدت در کثرت یا انسجام جمعی عام مبتنی بر رعایت حقوق همه اقوام و احترام به هویت های قومی آن ها نه یک توصیه بلکه واقعیتی انکار ناپذیر است.

دومین فرضیه تحقیق شناخت رابطه بین متغیر احساس محرومیت نسبی و هویت ملی و هویت قومی بود.

نتایج حاکی از معنادار بودن رابطه این متغیر با هویت ملی و هم هویت قومی دارد اما موضوع آنست که در هویت ملی جهت رابطه منفی و در هویت قومی جهت مثبت بوده است. لذا با افزایش احساس محرومیت هویت ملی افراد کاهش و هویت قومی آنها تقویت شده است. این نتیجه مطابق با دیدگاه رابرت گار، برانسکام، فینی، یومانا است که احساس محرومیت را از عوامل کاهنده هویت ملی و تشدید کننده هویت قومی و بروز چالش ها و کشمکش ها در بین اقلیت های قومی می دانند. این نتیجه در تحقیقات فردی چون ساباتیر (۲۰۰۸)، یومانا (۲۰۰۷)، مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷)، آموسی (۱۳۸۴) تایید شده است.

با توجه به اینکه اکثر اقلیت های قومی ایرانی از جمله سه گروه مورد مطالعه این تحقیق در مناطق مرزی کشور مستقرند، این نزدیکی با کشورهای همجوار و هم تبار در واقع امکان بیشتری برای مقایسه فراهم می کند. وجود شرایط نابرابر بین این مناطق می تواند به تشدید احساس محرومیت و نارضایتی منجر شود، لذا معتقدیم توجه به توسعه و عمران این مناطق حتی از مناطق مرکزی کشور

هم ضروری تر است. با تلاش برای محرومیت زدایی با تخصیص بهینه و عادلانه منابع و امکانات بین اقوام مختلف، ضمن کاهش احساس محرومیت، شرایط لازم جهت توسعه پایدار کشور و تقویت انسجام ملی را فراهم خواهد کرد. فراهم نمودن بستر لازم جهت توسعه فرهنگی گروه‌های قومی و مشارکت همه اقوام ایرانی در فرایند تصمیم‌گیری‌های ملی و ساختار قدرت گام‌های دیگری است که می‌تواند در کاهش احساس محرومیت موثر واقع شوند.

فرضیه سوم رابطه جامعه‌پذیری قومی با هویت ملی و هویت قومی بود. در خصوص رابطه این متغیر با هویت ملی نتایج حاکی از عدم وجود رابطه است. اما این رابطه با هویت قومی معنادار، مثبت، هم‌افزا و نسبتاً متوسط است. این نتیجه نه تنها در کل نمونه بلکه در سه گروه قومی مورد بررسی مشاهده می‌شود که بویژه شدت رابطه در گروه قومی عرب در حد نسبتاً بالایی است. در ارتباط با این نتایج باید گفت از آنجا که کمتر به موضع آموزش هویت در خانواده‌های ایرانی توجه می‌شود لذا نتیجه چندان دور از ذهن نیست اما در مورد هویت قومی نتیجه در راستای نتایج تئوری‌ها (مشخصاً کش متقابل نمادین) و تحقیقات افرادی چون یومانا و فاین (۲۰۰۴)، یازدجیان (۲۰۰۶)، نایت (۱۹۹۳) و دژم‌خو (۱۳۸۷) است که بر نقش نهاد خانواده در روند جامعه‌پذیر کردن افراد انسانی و خصوصاً شکل‌گیری هویت قومی افراد تأکید دارند.

براساس یافته‌های حاصله تلاش بیشتر جهت انتقال ارزش‌ها و باورهای فرهنگ ملی-ایرانی از طریق نهاد خانواده به نسل‌های بعدی و تأکید ویژه بر عناصر مشترک فرهنگ‌های قومی و ملی می‌تواند انسجام و تقویت هویت ملی را در عین احترام به فرهنگ‌های قومی در پی داشته باشد.

فرضیه چهارم تحقیق بررسی رابطه تسلط به زبان مادری با هویت ملی و هویت قومی بود. نتایج حکایت از عدم معنی‌داری رابطه این متغیر با هویت ملی در کل نمونه و دو گروه قومی بلوچ و عرب دارد اما در نمونه آذری رابطه معنادار، ضعیف و منفی است. در خصوص هویت قومی اما نتیجه متفاوت است و رابطه این متغیر با هویت قومی معنادار و مثبت بوده است. این نتیجه با نتایج تحقیقات یومانا (۲۰۰۷)، پرون (۱۹۹۵)، ساباتیر (۲۰۰۸)، پرتز و شافلر (۱۹۹۴)، آلبا (۱۹۹۰)، لی و ورکیوتین (۲۰۰۲) و روزنتال و فلدمن (۱۹۹۲) همخوانی دارد. در این راستا و در جهت تقویت انسجام و هویت ملی تجلیل و تکریم کلیه قومیتها و در واقع تحقق و بسط حقوق اقوام ایرانی و پرهیز از بی

هویت جلوه دادن زبان و فرهنگهای بومی مطابق با ماده ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و فراهم نمودن امکان تدریس زبان های قومی پیشنهاد می گردد.

فهرست منابع

- آموسی، مجنون (۱۳۸۴)، بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان شهر پیرانشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- اکوانی، سید حمد اله (۱۳۸۷): «گرایش به هویت ملی و قومی در بین عرب های خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، دوره: ۳۶، صص: ۹۹-۱۲۷
- احمدی، حمید (۱۳۸۳): هویت و قومیت در ایران، در کتاب هویت در ایران به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- الطائی، علی (۱۳۷۸): بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه. چاپ اول.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹): تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش. ۵
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷): بررسی منابع هویت ایرانی، رساله دکتری جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تهران، (منتشر نشده).
- حیدری، محمد (۱۳۸۳): هویت و امنیت ملی، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. چاپ اول
- خوب روی پاک، محمد رضا (۱۳۸۰): اقلیت ها، تهران، نشر شیرازه
- دژم خوی، جمشید (۱۳۸۷). تعلقات هویت در تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز
- دوران، بهزاد و منوچهر محسنی (۱۳۸۳): هویت و نظریه ها، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. چاپ اول
- رابرتسون، رونالد، (۱۳۸۰)، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)، کند و کاوها و پنداشته ها، تهران: شرکت سهامی انتشار

رضائی، احمد و دیگران (۱۳۸۶)؛ گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۳۸۶ شماره ۲ و ۳

رمضان زاده، عبدا. (۱۳۷۷)؛ روند بحران قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول.
سید امامی، کاووس (۱۳۷۷)؛ یکپارچگی ملی و رشد قومیت های قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول

سلیمی، حسین (۱۳۸۶)؛ نگرشی ساده انگارانه به هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۳۱، صص ۵۳-۳۱

شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)؛ تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
علم، محمد رضا (۱۳۸۶)؛ ریشه های هویت ایرانی در قیام میرزا کوچک خان جنگلی، صص ۹۸-۸۱
فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)؛ شکل گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی استان لرستان) مجله جامعه شناسی دوره چهارم، ش ۴

قاسمی، محمد علی (۱۳۸۱)، «درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول، صص: ۱۳۴-۱۲۳
قربانی شیخ نشین، ارسلان (۱۳۸۳)، جهانی شدن و هویت، در کتاب هویت و بحران هویت به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

قیصری، نور ا. (۱۳۷۷)؛ قومیت عرب و هویت ملی در ج.ا.ا. ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول
قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰) «نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان» فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷

کاوایانی راد، مراد (۱۳۸۱) بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی و مطالعه موردی قوم بلوچ، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

-گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، چاپ اول.
گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی

مقدس جعفری، محمد حسن و شیخاوندی، داور و شریف پور، حامد (۱۳۸۷)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز)، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، ش ۱

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶)؛ جایگاه هویت در پایان نامه های دانشجویی، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۳۱، صص ۳۰-۳

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): تحولات قومی در ایران، علل و زمینه ها، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
 نواح، عبدالرضا و سید مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۶) «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی اعراب استان خوزستان»، مجله جامعه شناسی ایران، سال ۱۳۸۶، دوره ۲۰، صص: ۱۶۳-۱۴۲

نوپه فلاح، رستم (۱۳۸۳): هویت؛ واقعیتی ثابت یا سیال، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. چاپ اول

Alba, R. D. (1990). *Ethnic identity: The transformation of white America*. New Haven, CT: Yale University Press Sociological Review. Vol.56:836-849

Berry, J. W., Phinney, J. S., Sam, D. L., & Vedder, P. (2006). *Immigrant youth in cultural transition: Acculturation, identity and adaptation across national contexts*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Bourish, M. Y. (1997). Culture identity and Immigration. *Ethnic and Racial Studies*, 21, 574-601

Brain, E. A. & Hunt, J. (2009). Discrimination on the Ethnic Group Identification and Personal Self-Esteem of Responding to Societal Devaluation: Effects of Perceived Personal and Group, *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 15-35.

-Branscombe, N. R., Schmitt, M. T., & Harvey, R. D. (1999). Perceiving pervasive discrimination among African Americans: Implications for group identification and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(1), 135-149.

Clark, L. (1997). *Globalization and Fragmentation*, Oxford, Oxford university press

Cross, W. E. (1995). *The psychology of Nigrescence: Revising the Cross model*

Crocker, J., & Luhtanen, R. (1990). Collective self-esteem and ingroup bias. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 60-67

French, S. (2006) the development of ethnic During Adolescence. *Developmental Psychology*, Vol22, No.1, 1-10

Garcia Coll, C. T., Meyer, E. C., & Brillón, L. (1995). Ethnic and minority parenting. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting* (pp. 189-209). Mahwah, NJ: Erlbaum

Giddens, A. (1991) *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern-Age* Cambridge: Polity Press

Jacobson, J. (1998) *Islam in Transition*. London and New York: Rutledge

- Kim, C (1996). An empirical study of multidimensional ethnic change: the case of French Canadians in Quebec. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 27, 114–131
- Knafo, A., & Schwartz, S. H. (2001). Value socialization in families of Israeli-born and Soviet-born adolescents in Israel. *Journal of Cross-Cultural Psychology Special Issue: Perspectives on Cultural Transmission*, 32(2), 213–228.
- Knight, G. P., Bernal, M. E. Garza, C. A., Cota, M. K., & Ocampo, K. A. (1993). Family socialization and the ethnic identity of Mexican-American children. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 24, 99–114.
- Lay, C., & Verkuyten, M. (1999). Ethnic identity and its relation to personal self esteem: A comparison of Canadian-born and foreign-born Chinese adolescents. *The Journal of Social Psychology*, 139(3), 288–299
- Lohm, D. (2006) What is an Australian? (Perception of Australianess among young adults raised in an outer eastern suburb of Melbourne). Monash University.
- Phinney, J.S & Chavira, V. (1992) Ethnic Identity and Self-Esteem: An exploratory Longitudinal Study. *Journal of Adolescence* 15, 271-281.
- Phinney, J.S (2001) Ethnic Identity, Immigration, and Well-Being: An Interactional Perspective. *Journal of Social Issues*, Vol.57, No.3, pp.493-511
- Portes, A., & Schauffler, R. (1994). Language and the second generation: Bilingualism yesterday and today. *International Migration Review*, 28(4), 640–661
- Ruble, D. et al (2004), the development of sense of "We": the emergence and implications of children collective identity
- Rosenthal, D. A., & Feldman, S. S. (1992). The nature and stability of ethnic identity in Chinese youth: effects of length of residence in two cultural contexts. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 23, 214–227.
- Shamai, J.S (1986) Ethnic and National Identity among Jewish Students in Toronto. Ph.d. Thesis. University of Toronto.
- Sabatier, Colette (2008) Ethnic and National Identity among second-generation immigrant adolescents in France. *Journal of Adolescence* 31, 185-205
- Seaton, E. K., Scottham, K. M., & Sellers, R. M. (2006). The status model of racial identity development in African American adolescents: Evidence of structure, trajectories, and well-being. *Child Development*, 77(5), 1416–1426
- Turner, H. (1998). *The structure of sociological theory*, London; Wadsworth publishing company.

- Umaña-Taylor & Yazedjian, A. (2006). Generational differences and similarities among Puerto Rican and Mexican mothers' experiences with familial ethnic identity. *Journal of Research on Adolescence*, 16(1), 1-20.
- Umaña-Taylor, A.J. & Gomez, B.M. (2004). Developing the Ethnic Identity Scale Using Eriksonian and social Identity Perspectives. *IDENTITY: An International Journal of Theory and Research*, 4(1), 9-38.
- Umaña-Taylor, A.J. & Shin, N. (2007). An Examination of Ethnic Identity and Self-Esteem with Diverse Populations: Exploring Variation by Ethnicity and Geography. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, Vol.13, No.2, 178-186.
- Umaña-Taylor, A.J. (2003). An Exploration of the Ethnic Identity Scale among High School and University Students. For Indicators of Positive Development Conference March 12-13, 2003.
- Umaña-Taylor, A.J. (2008). A longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-Esteem. *Journal of Adolescence*, Vol.28, No.1, pp.16-50.
- Umaña-Taylor, A.J. (2004). Ethnic Identity and Self-Esteem: Examining the role of Social Context. *Journal of Adolescence*, Vol, 27, pp.139-146.
- Walter, L. (1997). *Fascism: Past, Present, Future*. The common belief in nationalism, hierarchical structures, and the leader principle. Oxford University Press.